



قرار بر این شد که چون خطر انفجار در کار است، از دستگاه الکتروکوتر نیز استفاده نشود، چون ممکن بود با کمترین ولتاژ، چاشنی بمب فعال شود



شدند، از انجام این پرواز به دلیل تبعیت از قوانین در جهت حمل نکردن مواد منفجره، خودداری کردند. متخصص بیهوشی اعزامی شرح ماجرای نظیر این مورد، در جنگ دوم جهانی در روسیه شوروی و چگونگی انفجار در حین جراحی و کشته شدن جراحان به همراه تکنیسین‌ها و از بین رفتن اتاق عمل را برای دیگران تعریف کرد و در نتیجه تعریف این داستان برای کادر پزشکی حاضر در بیمارستان، از انجام این عمل سر باز زدند و در این لحظه یکی از جراحان اعزامی پیشنهاد آمدن جراح نظامی را مطرح کرد و تنها پزشک نظامی جراح در آن زمان، دکتر «ناصر تابش» حاضر در پایگاه هوایی دزفول بود.

دکتر «ناصر تابش» که آن شب پس از چند عمل سنگین جراحی در حال استراحت در منزل بود، با اطلاع از موضوع خود را به بیمارستان رساند و به‌طور داوطلبانه انجام این عمل را به عهده گرفت. این عمل ۴ ساعته، دلهره و اضطراب عجیبی را در دل همه انداخته بود و هیچ یک از پزشکان حاضر نشدند مجروح را تحت عمل جراحی قرار دهند تا اینکه دکتر «تابش» از راه رسید و حاضر شد مسئولیت عملی را که بازی با جانش بود، به عهده بگیرد. در چنین عمل‌هایی باید یک دستیار، پزشک را همراهی کند، ولی بازم هیچ یک از دستیاران حاضر در بیمارستان، آمادگی همراهی و همکاری با دکتر «تابش» را نداشتند.

پزشکیار «بهم بلند» حدود ساعت ۱۰ شب با منزل آقای دکتر «تابش» برای مشاوره پزشکی تماس گرفت و همسر دکتر «تابش» گفت که وی برای عمل جراحی مجروحی که ترکش در رانش فرورفته، به بیمارستان «افشار» دزفول رفته است.

وی که یکی از دستیاران سابق دکتر «تابش» بود و به او بسیار علاقه داشت، بعد از شنیدن این خبر، خود را به بیمارستان رساند و بعد از اینکه متوجه شد دکتر «تابش» با عمل خطرناکی روبه‌رو است و کسی حاضر به همکاری با وی نیست، به‌رغم اینکه دچار وحشت و هراس شده بود، حاضر شد به‌عنوان دستیار دکتر به اتاق عمل برود. از طرفی نیز بیمارستان غرق در جنب و جوش